

بررسی و نقد کتاب: به سوی بانکداری بدون بهره

سیدحسین میرجلیلی

دکترای اقتصاد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

مطالعاتی که در زمینه بانکداری بدون بهره انجام شده، بر دو محور اصلی استوار بوده است:

- حذف بهره از عملیات بانکداری.
- ارائه روش‌هایی به‌عنوان جایگزین بهره در عملیات بانکی.

یکی از جایگزین‌های وام با بهره، قرض بدون بهره است. این جایگزین در تمامی بانک‌های بدون بهره به کار برده می‌شود. در ۱۹۹۱ روشی را شیخ محمود احمد در کتاب به سوی بانکداری بدون بهره پیشنهاد کرد که "روش وام متقابل در زمان‌های متفاوت" نامیده شده است. در این مقاله ضمن معرفی قرض بدون بهره به‌عنوان جایگزین بهره در بانکداری، به تبیین روش پیشنهادی ایشان می‌پردازیم. سپس این روش مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

قرض بدون بهره

یکی از جایگزین‌های وام با بهره، قرض بدون بهره است. قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند تا قرض‌گیرنده مثل، یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده مسترد نماید. قرض از نظر لغوی به معنای قطع کردن و بریدن است و به این خاطر عمل جدا کردن بخشی از مال و اعطای آن به دیگران را "قرض" می‌نامند.

واژه قرض و مشتقات آن در مجموع در ۱۲ آیه قرآن همراه با قید (حسنه) آمده است. با دقت در این آیات در می‌یابیم که دلالت واژه ترکیبی قرض‌الحسنه در قرآن متفاوت از دلالت عرفی و حقوقی آن

است. قرض الحسنه در قرآن به معنای انفاق در راه خداست^۱ نه به معنای عمل حقوقی قرض دادن به دیگران.

قرض به معنای حقوقی آن در آیه ۲۸۲ سوره بقره با عنوان واژه دین استفاده شده است: "ای کسانی که ایمان آوردید هنگامی که بدهی مدت‌داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید..." در این آیه کلمه "دین" استعمال شده نه "قرض". برای آن‌که قرض تنها در تبادل دو چیز که مانند یکدیگرند، استعمال می‌شود، مانند این‌که پول یا جنس را به عنوان قرض بگیرند و از آن استفاده کنند و سپس همانند آن را رد کنند، ولی "دین" دامنه وسیع‌تری دارد، زیرا هرگونه معامله‌ای که انجام گیرد مانند صلح، اجاره، خرید و فروش و مانند آن و سپس یکی از طرفین بدهکار گردد، آن را دین گویند. بنابراین آیه مورد بحث شامل تمام معاملاتی می‌شود که در آن بدهی ایجاد شود. از این رو قرض را نیز در بر می‌گیرد.

قرض در بانکداری

از جمله احکام قرض که در نظام بانکداری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، مسأله شرط زیادی در قرض است. یعنی این‌که قرض‌دهنده در ضمن قرار داد قرض شرط کند که قرض‌گیرنده اضافه بر استرداد مثل یا قیمت آنچه که قرض گرفته، چیزی را به قرض‌دهنده بدهد. فقها زیادی را با دو عنوان "زیادی در مقدار" (کمیت) و "زیادی در وصف" مطرح کرده‌اند: زیادی در مقدار که "زیادی عینیه" نیز نامیده می‌شود، به این معنا است که قرض‌گیرنده از جنس همان چیزی که قرض گرفته، اضافه پرداخت کند. مثلاً هزار ریال پول قرض داده شود به شرط آن که هزار و دویست ریال بازگرداند. زیادی در وصف که به آن "زیادی وضعیه" نیز می‌گویند، وقتی تحقق می‌یابد که قرض‌گیرنده شرط کند وام‌گیرنده مثلی را که برمی‌گرداند از کیفیت بالاتری برخوردار باشد. مثلاً صد کیلو پرنج درجه ۳ قرض دهد به شرط آن‌که صد کیلو پرنج درجه ۱ بازپس گیرد.

بسیاری از فقهای شیعه، بر تحریم شرط زیادی (در قدر یا وصف) در قرض، ادعای اجماع کرده‌اند. صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد: "هرگونه شرطی در عقد قرض که فایده‌ای را به دنبال داشته باشد حرام

۱. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه می‌نویسد: المراد با قراض الله، الانفاق فی سبيله، سماء الله اقراضاً لله و سمسى المال المنفق قرضاً حسناً، حثاً و ترغیباً لهم فيه: مقصود از قرض دادن به خدا، بخشش در راه او است. خداوند انفاق راه قرض به خود و مال انفاق شده راه قرض الحسنه می‌نامد، تا انگیزه و رغبت برای انفاق کردن در مردم ایجاد نماید.

است و اجماع شیعه (محصل و منقول) بر این امر است و اجماع مسلمانان نیز بر آن ادعا شده است.^۱

روش قرض متقابل در زمان‌های متفاوت؟

یکی از جایگزین‌های پیشنهادی بهره در بانکداری، قرض متقابل در زمان‌های متفاوت است. این روش عبارت است از دو وام که بانک و مشتری به یکدیگر اعطا می‌کنند.

شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان این روش را از طریق مثال زیر توضیح داده است:^۲ فرض کنید فروشنده کوچکی به نام "الف" خواهان وام بدون بهره به میزان ۱۰۰ ریال از بانک "ب" برای مدت ۳ ماه است. بانک "ب" وام درخواستی شخص "الف" را به این شرط به او اعطا می‌کند که همزمان با آن شخص "الف" وامی به بانک "ب" اعطا کند. به عبارت دیگر، بخشی از وام را برای دوره نسبتاً طولانی مثلاً ۱۰ ریال به مدت ۳۰ ماه در بانک سپرده‌گذاری کند. پس از ۳ ماه شخص "الف" ۱۰۰ ریال را به بانک "ب" عودت می‌دهد ولی بانک "ب" به شخص "الف" سپرده‌اش را که ۱۰ ریال است بعد از گذشت ۳۰ ماه از تاریخ سپرده‌گذاری می‌پردازد. طی این دوره بانک "ب" می‌تواند از این سپرده استفاده کند یا آن را برای سرمایه‌گذاری به متقاضیان تسهیلات اعطاء نماید. همان‌طور که شخص "الف" در درآمد به دست آمده به وسیله بانک "ب" از به کارگیری وجوه شخص "الف" سهم نیست، بانک "ب" نیز هیچ مبلغ اضافی به سپرده شخص "الف" (قرض متقابل) پرداخت نمی‌کند.

روش قرض متقابل، ابتدا توسط شیخ محمود احمد در کتابی با عنوان به سوی بانکداری بدون ربا^۳ مطرح شده است. در روش وام متقابل، الگویی از بانکداری بدون ربا ارائه می‌شود که در دو زمان متفاوت مبلغی به عنوان وام به طور متقابل رد و بدل می‌شود.

در رویه‌ی وام متقابل، بانک و مشتری دیون خود را مبادله می‌کنند، به این ترتیب که مبلغ وام داده شده به وسیله بانک به مشتری، تبدیل به وام متقابلی خواهد شد که توسط مشتری به بانک داده می‌شود. با این

۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، کتاب قرض.

2. time - multiple counter loans

3. Report of the Council of Islamic Ideology (Pakistan), "Elimination of Interest From the Economy", in *Money and Banking in Islam*, p.121.

4. Shaikh Mahmud Ahmad, *Towards Interest - Free Banking*, Institute of Islamic Culture, Lahour, 1991.

تفاوت که دوره‌ی وام اعطا شده توسط بانک نسبت به وام اعطا شده توسط مشتری کوتاه‌تر است. برای حصول "ارزش وام" قرض داده شده، مبلغ وام در دوره‌ی بازپرداخت ضرب می‌شود. بانک و قرض دهنده باید ارزش‌های وام معادل خود را با یکدیگر مبادله کنند. از این رو، میزان کاهش ارزشی که توسط وام‌دهنده تحمل می‌شود، معادل همان میزان منفعتی است که توسط قرض‌دهنده دریافت می‌شود.^۱ برای درک بهتر روش *T.M.C.L* بخش‌هایی از کتاب به سوی بانکداری بدون بهره در این جا نقل می‌کنیم:

در روش *T.M.C.L* زمان به‌عنوان مبنای بانکداری بدون بهره است. مدت وام به اندازه خود وام اهمیت دارد و اصولاً جزء وام است. با داشتن مدت وام می‌توان ارزش وام را محاسبه کرد. آنچه وام‌دهنده از آن صرف‌نظر می‌کند و قرض‌گیرنده آن را دریافت می‌کند تنها مقدار وام نیست بلکه مقدار وام در دوره زمانی معین است. با ضرب کردن حجم وام در دوره زمانی می‌توانیم میزان محرومیت وام‌دهنده و نفع قرض‌گیرنده را اندازه‌گیری کنیم. وام‌های زیر دارای ارزش وام یکسان هستند.

هزار ریال برای یک سال؛ پانصد ریال برای دو سال؛ دویست و پنجاه ریال برای چهار سال؛ دویست ریال برای پنج سال؛ صد ریال برای ده سال.^۲

قرض‌گیرنده‌ای باید معادل ارزش وام را به بانک قرض دهد.

مثال: اگر $12\frac{1}{4}$ درصد معیار اندازه‌گیری وام متقابل باشد، در این صورت عدد ۸ در دوره زمانی که وام دریافت می‌شود ضرب می‌گردد. در نتیجه ۱۰۰۰ ریال برای یک سال معادل ارزش وام ۱۲۵ ریال برای ۸ سال دارد. اگر کسی که ۱۰۰۰ ریال برای یک سال از بانک قرض می‌گیرد به بانک وام متقابلی به میزان ۱۲۵ ریال برای ۸ سال اعطا کند، در آن صورت "ارزش وام"^۳ طرفین معادل یکدیگر خواهد شد.

در پایان سال قرض‌گیرنده وام خود به میزان ۱۰۰۰ ریال را به بانک عودت می‌دهد، بدون آن که مبلغی به آن بیافزاید و بانک نیز ۱۲۵ ریال آن شخص را در پایان ۸ سال به شخص عودت می‌دهد، بدون آن که مبلغی بدان بیافزاید.

اگر قرض‌گیرنده نتواند وام را پس از یک سال در سررسید عودت دهد، می‌تواند قرارداد وام را یک

۱. توضیح این که در حالت اول، بانک وام‌دهنده (*lender*) است و مشتری قرض‌گیرنده (*borrower*) و در حالت دوم

بر عکس می‌شود.

2. Shaikh Mahmud Ahmad, *Towards Interest - Free Banking*, p.57.

3. "loan value"

سال دیگر تمدید کند، به این ترتیب که یا ۱۲۵ ریال دیگر برای ۸ سال به بانک قرض دهد یا آن‌که همان ۱۲۵ ریال قبلی را به مدت ۱۶ سال به بانک قرض دهد.^۱

برای تداوم عملیات بانکداری به شیوه یاد شده پیشنهاد شده که به میزان ۱۱۰ درصد وام، وثیقه از وام‌گیرنده اخذ شود.^۲

در روش وام متقابل به ذخیره قانونی نیازی نیست و از این رو حذف می‌شود.^۳ جایگزین آن برای حفظ نقدینگی بانک در روش وام متقابل به ترتیب زیر محاسبه می‌شود: اگر مقامات پولی نرخ ۱۲٪ درصد را برای وام متقابل تعیین کند، در این صورت بانک معادل ۲٪ درصد از کل وام متقابلی را که دریافت می‌کند، در بانک مرکزی سپرده‌گذاری می‌نماید. در این صورت توانایی اعطای تسهیلات بدون بهره به میزان ۸ برابر میزان سپرده‌شان در بانک مرکزی را خواهند داشت. در نتیجه، هر بانک نقدینگی به میزان $20 = 2 \times 8$ درصد از کل مطالباتش خواهد داشت. اضافه بر آن ۲ درصد از تمامی وام‌های متقابل به وسیله بانک به صورت اندوخته صندوق بانک‌ها برای پرداخت‌های نقدی روزمره^۴ نگهداری خواهد شد. بنابراین، نقدینگی بانک به میزان ۲۲ درصد کل مطالبات بانک‌ها خواهد بود. البته با تغییر نرخ وام متقابل از ۱۲٪ درصد به نرخ دیگر به وسیله بانک مرکزی درصد نقدینگی نیز تغییر خواهد کرد.^۵

در روش وام متقابل تمامی درخواست‌های مربوط به وام‌های تولیدی پذیرفته شده و تقاضای وام‌های غیرتولیدی رد می‌شود.^۶ هر چند الگوی وام متقابل ذاتاً وام‌های غیر تولیدی مانند وام‌های مصرفی را استثناء نمی‌کند ولی به منظور اجتناب از ایجاد فشارهای تورمی که در نتیجه وام‌های مصرفی به وجود می‌آید، وام‌های مصرفی در این شیوه مستثنی شده است.^۷

شیخ محمود احمد درباره سودآوری این شیوه بانکداری اظهار می‌دارد که به دلیل حذف ذخیره قانونی قدرت وام‌دهی بانک بیشتر می‌شود. همچنین، به دلیل گسترش حجم وام‌های متقابل، سودآوری

1. Ibid., p.58.

2. Ibid., p.59

3. Ibid., p.65.

4. Till Money

5. Ibid., p.68.

6. Ibid., p.71.

7. Ibid., p.73.

بانک‌های مبتنی بر قرض متقابل بیشتر از بانک‌های با بهره خواهد بود. برای نشان دادن سودآوری بیشتر بانک‌های مبتنی بر T.M.C.L شیخ محمود احمد با ارائه مثالی عددی آن را توضیح داده است.^۱ در پایان کتاب وی توضیح می‌دهد که T.M.C.L به دنبال نهادینه کردن قرض‌الحسنه است.^۲

ارزیابی انتقادی از دیدگاه فقهی

روش قرض متقابل در زمان‌های متفاوت با انتقادهای فقهی زیر مواجه است:

۱. بنا به دلیل اجماع و روایت امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) مبادله دو دین باطل است. امام صادق (ع) می‌فرماید: "لا یباع الدین بالدین"^۳ یعنی: بدهی با بدهی، مبادله نمی‌شود. طلبی که هنوز زمان تحویل آن نرسیده در برابر بدهی که وقت پرداخت آن نشده مبادله نمی‌شود و اگر انجام شد، باطل است.
به نظر می‌رسد آنچه در نظریه وام متقابل بیان شده، همان است که مبادله دین به دین گفته می‌شود. در واقع، یک بدهی مدت دار با وام کوتاه مدت مبادله می‌شود.
۲. در نظریه وام متقابل، اعطای وام (قرض) کوتاه‌مدت بانک به مشتری مشروط به آن است که وی نیز به بانک به صورت درازمدت قرض دهد. در حالی که با قرض مبلغ معین، قرض‌گیرنده مالک مال قرض شده، و قرض‌دهنده، دیگر مالک مالی که قرض داده شده نیست. تنها چیزی که باقی می‌ماند آن است که ذمه قرض‌گیرنده مشغول می‌شود که معادل مبلغ قرض گرفته شده را بازپرداخت کند. به عبارت دیگر، وام مشروط ممنوع است. معنای قرض این است که "القرض هو تملیک العین علی وجه التفریم لامجاناً، یعنی: قرض، همانا مالک شدن مالی است به صورت بدهکار شدن برای بازپرداخت آن نه به صورت مجانی. بنابراین، هنگامی که بانک مبلغی را به فرد قرض می‌دهد، آن مبلغ به مالکیت قرض‌گیرنده در می‌آید و ذمه قرض‌گیرنده مشغول می‌شود که معادل آن را باز پس دهد، نه بیش از این؛ در حالی که طبق نظریه وام متقابل، علاوه بر آن باید قرض‌گیرنده، این شرط ضمن عقد قرض را بپذیرد، که مبلغ قرض گرفته شده را طی چند سال معین قرض دهد و این چیزی فراتر از مشغول شدن ذمه قرض‌گیرنده است.
۳. از آن‌جا که کسی که به بانک قرض دهد، از این قرض خود نفعی می‌برد، لذا قرض متقابل مجاز

۱- برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به صفحات ۸۶ و ۸۷ از کتاب به سوی بانکداری بدون ربا، نوشته شیخ محمود احمد.

2. Ibid., pp. 133-135.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۹۹، باب ۱۵، حدیث اول.

نیست. دلیل آن این روایت نبوی است که "كُلُّ قَرْضٍ يَجْرُؤُ مِنْعَةً فَهُوَ رِبَا". بر این اساس، اگر وام‌دهنده در اعطای وام نفع ببرد، این نفع نوعی ربا است و در روش وام متقابل، وام‌دهنده به بانک از وام. تقابل درازمدت‌تری منتفع می‌شود.^۱

۴. مخالفت گروه کارشناسی شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان با طرح بانکداری مبتنی بر T.M.C.L: شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان گروهی از کارشناسان را تعیین کرد تا روش‌های حذف بهره در اقتصاد پاکستان را توصیه نمایند. این گروه T.M.C.L را به عنوان جایگزین بهره رد کرد.^۲

ارزیابی انتقادی از دیدگاه بانکداری

روش قرض متقابل در زمان‌های متفاوت با انتقادهای زیر از دیدگاه بانکداری مواجه است:

۱. در معادل بودن ارزش وام بر حسب مبلغ و مدت — آن‌گونه که شیخ محمود احمد به عنوان مبنای T.M.C.L قرار داده است — تردید وجود دارد. زیرا بسته به شرایط اقتصادی، چند وام دارای مبلغ و مدت یکسان می‌تواند ارزش متفاوتی برای قرض‌گیرندگان داشته باشد. بنابراین، ادعایی که اساس تحلیل‌های کتاب به سوی بانکداری بدون بهره قرار گرفته نیاز به اثبات دارد.
۲. با حذف ذخیره قانونی از فعالیت بانک‌ها در روش وام متقابل، دیگر بانک‌ها توان نقدینگی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهند و امکان ورشکستگی نیز افزایش می‌یابد. باید توجه داشت که همواره مشتریان بانک تا سررسید منتظر نمی‌مانند و ممکن است به دلایلی قصد بازپس‌گیری وجوه خود از بانک را داشته باشند، در آن صورت بانک پاسخگو نیست و با هجوم مشتریان امکان ورشکستگی افزایش می‌یابد. البته شیخ محمود احمد هر چند ذخیره قانونی را در این نوع بانکداری ضروری ندانسته است ولی با معرفی ذخیره احتیاطی بانک سعی بر جبران این نقیصه را داشته است. اما باید توجه داشت که ذخیره قانونی بانک

تال جامع علوم انسانی

۱. اصولاً کلبه شروطی که به گونه‌ای منفعتی برای قرض‌دهنده در برداشته باشد، تحت شمول شرط زیادتی بوده و از نظر فقهی ممنوع است.

۲. شیخ محمود احمد در پاسخ به اظهار نظر آن‌ها اظهار می‌دارد که گروه کارشناسی در ارزیابی الگو برخورد عمیق نداشته و باید علاوه بر انطباق روش با اسلام، آن را از نظر توان مقید بودن نیز ارزیابی کند (ص ۱۲۶). شیخ محمود احمد روش بیع موبل (فروش اقساطی) را که توسط شورای ایدئولوژی اسلامی به عنوان یکی از شیوه‌های جایگزین بهره پیشنهاد شده به باد انتقاد می‌گیرد و اظهار می‌دارد که تنها نام بهره حذف شده است ولی مکاتبسم آن با بهره است (ص ۱۲۷).

نزد بانک مرکزی و ذخیره احتیاطی نزد خود، دارای کارکرد متفاوتی هستند و فقدان هر یک پیآمدهای نامطلوب خود را برای بانکداری به دنبال دارد.

۳. تأمین مالی وام‌های تولیدی و عدم تأمین مالی وام‌های غیر تولیدی.

در روش وام متقابل تنها وام‌های تولیدی تأمین مالی می‌شود و تقاضا برای وام‌های غیرتولیدی (مصرفی) رد می‌شود. از نظر شیخ محمود احمدی، این اقدام به منظور اجتناب از ایجاد فشارهای تورمی است که در نتیجه وام‌های مصرفی پدید می‌آید. اما باید توجه داشت که:

اولاً، همواره بخشی از وام‌های بانکی باید به نیازهای مصرفی اختصاص یابد و منحصر به وام‌های تولیدی نشود، زیرا هدف از تولید نیز مصرف است. اگر تقاضای مؤثر در اقتصاد پایین باشد، کالاها و خدمات تولید شده، تقاضا نمی‌شود و کساد می‌آید.

ثانیاً، در اساس وام بدون بهره در اسلام عمدتاً برای تأمین نیازهای مصرفی کوتاه‌مدت تعبیه شده است، به همین دلیل هم باید بدون مطالبه مازاد باشد. زیرا نیاز شخص را به اخذ وام سوق داده است. اما در شرایطی که فعالیت انتفاعی وجود دارد، در اسلام، عقود معرفی شده است تا با مکانیسم مشارکت (عقود مضاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی) و مکانیسم مبادلات (فروش اقساطی، معاملات سلف، اجاره به شرط تملیک و خرید دین) هر دو طرف قرارداد نفع ببرند و بر اساس سهم توافق شده، سود حاصله را میان خود تقسیم کنند. بنابراین، در اسلام برای هر یک از موارد یاد شده (نیاز و سرمایه‌گذاری انتفاعی) مکانیسم خاص خود تعبیه شده است. به نیاز، وام بدون بهره تعلق می‌گیرد و به تقاضای تسهیلات سرمایه‌گذاری، مکانیسم‌های مشارکت و مبادلات پاسخ می‌دهد.

ثالثاً، شیخ محمود احمدی در صفحه ۱۳۵ کتاب خود مطرح می‌کنند که T.M.C.L به دنبال نهادینه کردن قرض الحسنه (وام بدون بهره) است. در این صورت با مستثنی کردن وام‌های مصرفی از فلسفه تشویق مسلمانان به قرض بدون بهره دور می‌شویم.

رابعاً، عدم اعطای وام بدون بهره به تقاضاهای مصرفی می‌تواند باعث رونق بازار ریاخواری شود، چون نیاز مشروع از طریق نظام بانکی پاسخ داده نمی‌شود.

ارزیابی انتقادی از دیدگاه ارزش زمانی پول

در نظریه وام متقابل بر اساس مدت وام، ارزش وام محاسبه می‌شود و قرض‌گیرنده موظف است معادل "ارزش وام" را به بانک قرض دهد. نرخ پیشنهادی محمود احمدی $12\frac{1}{4}$ درصد برای محاسبه "ارزش وام"

است.

باید توجه داشت که فرض ضمنی پیشنهاد محمود احمد پذیرفتن ارزش زمانی پول است. مقصود از ارزش زمانی پول (یا ترجیح زمانی مثبت) این است که پول و کالا در زمان جاری از ارزش بیشتری در مقایسه با آینده برخوردار است.

اقتصاددانان مسلمان در مورد این که آیا زمان دارای ارزش پولی است به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروه اول ارزش زمانی پول را تأیید نمی‌کنند و پس‌انداز را از جمله شواهد مخالفی می‌دانند که با آن مردم آینده را به زمان حال ترجیح می‌دهند. اگر ترجیح زمانی مثبت در همه موارد صادق باشد، آنگاه افراد باید تمامی درآمد خود را در زمان حال مصرف کنند و پس‌انداز نداشته باشند، در حالی که چنین نیست. پس نمی‌توان ارزش زمانی پول را به عنوان یک حکم عام پذیرفت، بلکه باید نرخ ترجیحات زمانی را صفر در نظر بگیریم. (از این طریق نظریه ترجیح زمانی پول برای توجیه بهره نیز نفی می‌شود).

گروه دوم ارزش زمانی پول را تأیید می‌کنند مشروط بر آن که ارزش زمانی پول یک ارزش از قبل تعیین شده نباشد. وجود "بیع موجل" و "بیع سلم" و "بیع نسیه" در فقه اسلامی، دلیلی برای پذیرش ارزش زمانی پول است. در این عقود بیع، اجازه داده شده است که با در نظر گرفتن عنصر زمان در جریان مبادله، قیمت کالا از قیمت نقدی آن متفاوت باشد. بنابراین، می‌توان نرخ را برای محاسبه ارزش زمانی پول معرفی کرد. انس زرقا (۱۹۸۳) نرخ بازدهی پروژه‌های انجام شده قبلی را به عنوان نرخ محاسبه پیشنهاد می‌کند. رفیق‌المصری (۱۹۸۱) نیز معتقد است که ارزش زمانی پول جایز است. اما هیچ‌کدام مطرح نکرده‌اند که در این صورت چرا ارزش زمانی پول به شکل بهره نفی شده است؟ پاسخ این است که در اسلام آن ارزش زمانی پول پذیرفته شده است که به صورت مفهوم تحقق یافته (*ex post*) باشد.^۱ بر این اساس نرخ بهره یا هر نرخ دیگری مانند نرخ ۱۲/۵ درصد پیشنهادی در نظریه وام متقابل که به صورت پیشینی (*ex ante*) تعیین شود، جایز نیست.

بنابراین، طبق نظر هر دو گروه اقتصاددانان مسلمان، تعیین نرخ ۱۲/۵ درصد برای وام متقابل جایز نیست. گروه اول آن را به طور کلی نفی کردند و گروه دوم آن را به طور پیشینی رد کردند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روش وام متقابل در زمان‌های متفاوت به دنبال ارائه روشی برای جایگزینی وام با بهره و به دنبال گسترش

1. M. Fahim Khan, 1991, p. 38.

قرض بدون بهره است. این روش از طریق اعطای دو وام یکی از مشتری به بانک و دیگری از بانک به مشتری که با دوره زمانی مختلف صورت می‌گیرد، عمل می‌کند. مهم‌ترین نقدهای فقهی این روش، بیع دین به دین، ممنوعیت وام مشروط و کسب منفعت در قرض است. مهم‌ترین نقدهای این روش از دیدگاه بانکداری، فقدان ذخیره قانونی، حذف وام‌های مصرفی و عدم توجه به هدف وام بدون بهره در اسلام و گسترش رباخواری است. مهم‌ترین نقد این روش از دیدگاه ارزش زمانی پول آن است که نرخ بی‌سود برای محاسبه ارزش وام در دو زمان متفاوت پیشنهاد می‌کند که کارکرد بهره دارد.

مآخذ

الف) فارسی

- شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، جلد ۱۳، باب ۱۵.
- شیخ محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، کتاب قرض.
- علامه محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹.

ب) انگلیسی

- Muhammad Akram Khan, "Time Is Money Or Is It?", *Inquiry*, Vol. 2, No. 12, December 1985, pp. 43-46.
- Muhammad Fahim Khan, "Time Value of Money and Discounting in Islamic perspective," *Review of Islamic Economics*, Vol.1, No.2, 1991, pp. 35-45.
- Council of Islamic Ideology (Pakistan), "Report on Elimination of Interest from the Economy," in *Money and Banking in Islam*, Pakistan, 1990.
- Shaikh Mahmud Ahmad, *Towards Interest - Free Banking*, Institute of Islamic Culture, Lahour, Pakistan, 1991.

مآخذ: فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۴۸-۱۴۹